

تبیین مفاهیم کلیدی سوره بر پایه تحلیل مبتنی بر پیکره^۱ (بررسی موردی سوره شوری)

جلال‌الدین غراب^۲، محمدجواد نجفی^۳
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۲۵- تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۲۳)

چکیده

تبیین مفاهیم کلیدی سوره به منظور نشان‌دادن انسجام معنایی آن یک امر اساسی و در عین حال چالش‌برانگیز است. غالب مفسرین برای این منظور از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند که می‌تواند از گرایش‌های نظری و ذهنیت فردی متأثر گردد. تحلیل مبتنی بر پیکره با روش‌های کمی و آماری می‌تواند به‌طور نسبی ادله عینی مصون از تأثیرات مذکور، در جهت پیشبرد تحلیل کیفی فراهم کند. در این تحقیق با استفاده از تحلیل پیکره، واژه‌های کلیدی یک سوره را شناسایی کرده و سپس با واکاوی معانی آن‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط، الگوی منسجمی از آن‌ها ارائه می‌دهیم. در این تحقیق با بررسی موردی سوره شوری نشان خواهیم داد؛ علاوه بر مفهوم «وحی و رسالت» که توجه مفسرین را به خود معطوف نموده، سوره در لایه‌های بالاتر خود به مفاهیم «قدرت و اختیار مطلق» خداوند و «ولی بودن» وی اشاره دارد و مفهوم «وحی و رسالت» در حقیقت از مصادیق تحقق مفاهیم فوق می‌باشد.

کلید واژه‌ها: انسجام معنایی، تحلیل پیکره، سوره شوری، مفاهیم کلیدی.

1. Corpus-Based Analysis.

۲. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ Email: ghorab.j@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛ Email: mj.najafi@qom.ac.ir

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

تبیین مفاهیم کلیدی یک سوره در تفاسیری که به دنبال نشان دادن انسجام معنایی سوره‌ها می‌باشند، امری مطلوب و در عین حال همراه با چالش می‌باشد. شیوه‌هایی که مؤلفین برای این منظور از آن‌ها استفاده می‌کنند، عمدتاً کیفی بوده و به گزینش‌ها و تصمیم‌هایی منتهی می‌گردد که معمولاً متأثر از گرایش‌های نظری و ذهنیت فردی می‌باشد، به عبارتی دیگر روش فرد-محور است. برای نمونه، یک شیوه معمول می‌تواند تکیه به مضامینی باشد که در صدر سوره به آن اشاره می‌شود و در صورتی که در اثناء و انتهای سوره تکرار گردند، آن‌گاه آن مضامین می‌توانند گزینه‌ای مناسب و منطقی برای محوری بودن باشند. این شیوه را می‌توان به عنوان مثال در تفاسیری همچون المیزان [۶، ج ۱۸، صص ۵-۶] و فی ظلال القرآن [۵، ج ۵، صص ۳۱۳۶-۳۱۳۷]، در تفسیر سوره شوری مشاهده نمود. این شیوه هرچند در نگاه اول قابل پذیرش است، اما این احتمال وجود دارد که الگوی یاد شده از الگوهای باشد که مؤلف از پیش با آن‌ها آشنا است و در مواجهه با متن با توجه به محتوای آن، همان الگو را انتظار داشته باشد.^۱ توجه به این امر به خصوص در مورد سوره‌های قرآن که می‌تواند از لایه‌های پنهان معانی برخوردار باشد، می‌تواند حائز اهمیت باشد. استفاده از روش‌هایی مبتنی بر پیکره که در آن‌ها ویژگی‌های متن هم‌چون واژگان-کلیدی^۲ بر پایه آمار و عینیت متن تعریف می‌شوند، به میزان زیادی مصون از گرایش‌های نظری و ذهنیت فردی محقق می‌باشند [۱۲، ص ۹۰].

هنگامی که سخن از تحلیل مبتنی بر پیکره می‌شود، معمولاً آنچه که در ذهن تداعی می‌شود جستجوی توده انبوهی از داده‌های متنی به منظور کشف الگوهای معنادار در آن‌ها به کمک محیط‌های نرم‌افزاری است. هرچند روش‌ها و ابزارهای بدیعی در همین راستا جهت تحلیل متن خلق شده‌اند، اما باید ریشه و پیشینه تحلیل مبتنی بر پیکره را در گذشته دانست. آغاز این پیشینه را باید از معجم‌هایی دانست که در گذشته برای برخی از کتاب‌های با ارزش تهیه می‌گردید. این معجم‌ها با فراهم کردن فهرستی از الفاظ و واژگان، همراه با مختصات دقیق آن‌ها در متن، محقق را قادر می‌ساخت که به بررسی معانی گسترده واژگان در جای‌جای متن پرداخته و به کشف الگوهای معنایی

۱. برای مثال در عبارت‌هایی هم‌چون محور، موضوع محوری و یا هدف اصلی سوره به شکل ناخواسته، کلام الهی را مقید به یک الگوی ساده و یک وجهی می‌نماییم، حال آنکه استعاره «کلید» یا «کلیدی»، چنین تصویری را تداعی نمی‌کند و شاید بهتر باشد از وجود مدل یا الگوی منسجم از مفاهیم کلیدی در سوره سخن بگوییم.

واژگان دست یابد که وی را در فهم زبان متن یاری می‌رساند. برخی پیشینه این شیوه تحلیل را به قرن سیزده میلادی می‌رسانند که در آن سده، اندیشمندان عیسوی به ایجاد فهرست جامعی از واژگان کتاب مقدس، به صورت ایندکس دست زدند [۱۷، ص ۳]. به تدریج با پیشرفت ابزارها و امکان ذخیره الکترونیکی متون و پردازش سریع آن‌ها با برنامه‌های کامپیوتری مسیر برای ابداع روش‌های جدید، جهت تحلیل متون هموار گردید. عمده این روش‌ها معمولاً به صورت کمی و بر اساس بسامد واژه‌ها است و به تحلیل کمی موسوم می‌باشند.

پیکره یک مجموعه بزرگ گردآوری شده از داده‌های متنی و زبانی به صورت الکترونیکی می‌باشد که می‌توان در محیط‌های نرم‌افزاری جهت کشف الگوهای ساختاری و معنایی مورد پردازش قرار داد و آن‌گاه الگوهای کشف‌شده را به کل زبان تعمیم داد. محیط نرم‌افزاری انواع عملیات آماری را جهت تحلیل داده‌ها در اختیار محقق قرار می‌دهد. از کاربردی‌ترین این عملیات می‌توان به امکان مشاهده لیستی از سطرها که در آن‌ها یک واژه خاص، استعمال شده است، امکان محاسبه بسامد واژه‌ها و نمایش ترتیبی آن‌ها بر اساس بسامد، امکان مقایسه دو پیکره جهت تعیین واژه‌های کلیدی، امکان تحلیل واژه‌هایی که گرایش به همجواری^۱ با یکدیگر دارند و ابزارهای متنوع دیگر اشاره داشت.

فرآیندهای مختلف تحلیل پیکره از جمله تعیین واژه‌های کلیدی که بر اساس متغیرهای کمی انجام می‌گیرند، برای هر محقق قابل پذیرش می‌باشند؛ زیرا آن‌ها کمی و به‌طور نسبی مستقل از ذهنیت و پیش‌داشته‌های محقق می‌باشند. برای مثال فراوانی یا بسامد یک واژه که یک متغیر کمی است، در صورت داشتن مقداری غیرمتعارف، می‌تواند به عنوان معیاری جهت تعیین واژه‌های کلیدی متن استفاده گردد. برای تعیین واژه‌هایی با بسامد غیرمتعارف لازم است که بسامد آن‌ها در متن مورد مطالعه با بسامد همان واژه‌ها در یک پیکره همگن از متون مقایسه گردد. پیکره اخیر را «پیکره مرجع»^۲ و در مقابل، متن مورد مطالعه را «پیکره هدف»^۳ می‌نامند.

واژه‌های کلیدی، نشانه‌ها و کلیدهایی می‌باشند که محقق را به موضوعات یا مفاهیم کلیدی متن هدایت می‌کنند. پس از تعیین واژه‌های کلیدی معمولاً نوعی وابستگی معنایی بین آن‌ها وجود دارد. همچنین ممکن است بین آن‌ها و واژه‌های همجوار آن‌ها چنین وابستگی‌هایی وجود داشته باشد که با دسته‌بندی واژه‌ها و بررسی متن روشن‌تر گشته و به الگوهای معناداری از ارتباط بین مفاهیم کلیدی منجر می‌گردند.

1. Collocation Analysis.

2. Reference Corpus.

3. Target Corpus.

نتایج تحلیل کمی بستری فراهم می‌کند که تحلیل کیفی در آن بستر جریان می‌یابد. تحلیل کیفی معمولاً با نگاهی از بالا به پایین^۱ و با در نظر گرفتن همه دانش‌هایی که محقق در اختیار دارد انجام می‌گیرد. در صورت مؤثر بودن هر دو نوع تحلیل، حاصل و نتیجه به مدلی از مفاهیم با انسجام معنایی منتهی می‌گردد که علاوه بر تقویت دانش پیشین، اطلاعات جدیدی فراهم ساخته و موجب اعتبار روش می‌گردد.

۲.۱. مروری بر پیشینه

به دلیل خاستگاه زبان‌شناسی پیکره، عمده تحقیقات و استفاده از ابزارهای و روش‌های آن در حوزه زبان و ادبیات غرب صورت گرفته است. در آغاز عمده تحقیقات با هدف شناخت سبک و شیوه یک گرایش ادبی و یا شناخت ویژگی‌های ادبی آثار برجسته بوده است [۱۳؛ ۱۵ و ۲۳]، اما با توجه به دستاوردهای آن در این حوزه به حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی از جمله تحلیل گفتمان، مطالعات ترجمه، آموزش زبان، مطالعات رسانه در زبان‌شناسی کاربردی [۱۶، صص ۳-۴] و نیز حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی هم‌چون زبان‌شناسی شناختی گسترش یافته است.

در زبان فارسی استفاده از روش‌های کمی به شکل محدود، در برخی از مقالات دیده می‌شود. برای مثال در روشی که به تحلیل محتوی موسوم است، در ابتدا با تعریف مجموعه‌ای از عناوین موضوعی که به شکل کلی مرتبط با متن می‌باشد محقق تلاش می‌کند، واحدهایی از متن را تحت عناوین مزبور گردآوری کند؛ سپس با شمارش کمی آن واحدها در هر مجموعه، بسامد عناوین را تعیین کرده و مشخص کند کدام عناوین بیشترین وزن را در متن به خود اختصاص داده‌اند [۴]. در این روش در همان مرحله نخست آشکار است که گزینش محقق در تعیین عناوین موضوعی به شکل مؤثری دخالت دارد. در برخی دیگر از تحقیقات به بسامد واژه‌های متن توجه شده است، اما پیکره‌ای به عنوان مرجع مقایسه تعریف نشده است، از این روی نمی‌توان با اطمینان از غیرمتمعارف بودن بسامد برخی از واژه‌ها و در نتیجه کلیدی بودن آن‌ها سخن گفت و چه بسا برخی از واژه‌های کلیدی با بسامد پایین وجود داشته باشند که با این روش مورد اغماض قرار می‌گیرند [۲].

در این رابطه باید به این مسئله اشاره داشت که تحقیق در حوزه‌های بینارشته‌ای به خصوص بین حوزه‌های قدیمی و جدید هم‌چون حوزه ادبیات و الهیات با حوزه‌های جدید زبان‌شناسی به کندی شکل می‌گیرند و هنوز در آغاز فرآیند به‌کارگیری روش‌ها و

یافته‌های شاخه‌های جدید زبان‌شناسی در حوزه ادبیات فارسی و متون دینی می‌باشیم. امید است که تحقیق حاضر بتواند مفید بودن این نوع تحقیقات را آشکار کند. البته در حوزه زبان عربی و زبان قرآن گروهی از محققین دانشگاه لیدز انگلستان، پیکره‌هایی برای این منظور یعنی بسترسازی تحقیقات بینارشته‌ای فراهم نموده‌اند که در ادامه، مروری بر آن‌ها خواهیم داشت.

یکی از گروه‌های تحقیق و توسعه در زمینه پیکره زبان عربی کلاسیک و معاصر در دانشگاه لیدز^۱ انگلستان فعالیت می‌کنند که بنا به گفته محققین آن، این دانشگاه قریب یک قرن است که بر روی زبان عربی کار می‌کند. حاصل این تلاش‌ها مجموعه متنوعی از پیکره‌های زبان عربی است که با توجه به اهداف خاصی که در تیم تحقیق این دانشگاه دنبال می‌شوند، تولید گردیده‌اند. هدف عمده این تیم حول پردازش ماشینی زبان عربی می‌باشد که در این راستا پیکره‌ها می‌توانند نقش مهمی داشته باشند.

از جمله پیکره‌های زبان کلاسیک عربی علاوه بر پیکره‌های زبان معاصر عربی که توسط تیم تحقیق این دانشگاه تولید شده موارد زیر است [۱۱]:

Quranic Arabic Corpus with several layers of linguistic annotation; QurAna Quran pronoun anaphoric co-reference corpus; QurSim Quran verse similarity corpus; Qurany Quran corpus annotated with English translations and verse topics; Boundary-Annotated Quran Corpus; Quran Question and Answer Corpus; Multilingual Hadith Corpus and Corpus for teaching about Islam.

نخستین مورد از موارد فوق یعنی پیکره زبان عربی قرآن یکی از مهمترین منابعی است که در اختیار عموم محققین زبانشناس زبان عربی و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است.^۲ در این پیکره برای هر واژه قرآنی همه مشخصه‌های صرفی و نحوی آن به همراه ترجمه واژه آمده است. این پیکره به‌طور اخص هر آنچه که در زمینه مطالعه زبان، زبانشناسی و زبانشناسی رایانه‌ای زبان عربی قرآن مورد نیاز محققین می‌باشد فراهم آورده و همچنین راه مطالعه و تحقیق در باب ساختار زبان عربی کلاسیک را هموار ساخته است.

دسترسی به این پیکره از طریق رابط وب می‌باشد و عملیاتی مانند جستجو و مشاهده آیات شامل واژه خاص فراهم شده است. علاوه بر آن مجموعه‌ای از برنامه‌ها به زبان جاوا به عنوان نمونه در اختیار محققین گذاشته شده است که در صورت نیاز به عملیات پیچیده‌تر با بهره‌گیری از آن‌ها، برنامه مورد نیاز خود را بنویسند. این امر به گسترش به‌کارگیری پیکره به منظور انجام تحقیق‌هایی با اهداف متنوع و پیچیده کمک می‌نماید، اما از سوی دیگر بار نوشتن برنامه بر دوش محقق خواهد بود.

1. Leeds.

2. corpus.quran.com.

از آنجایی که هدف عمده در تحقیق حاضر کشف الگوهای معنایی براساس واژه‌های کلیدی متن می‌باشد و پیکره فوق عمدتاً ویژگی‌های ساختاری، صرفی و نحوی واژه‌ها را توصیف نموده است، از این روی پیکره مورد نیاز، با استفاده از امکانات نرم‌افزارهای مختلف از جمله بسته نرم‌افزاری جامع‌التفاسیر نور (جهت تهیه لیست آیات مورد نیاز) و برنامه‌های Microsoft Office تهیه گردیده و برای تحلیل آماری نیز از نرم‌افزار AntConc [۱۰] که یکی از برنامه‌های مطرح تحلیل پیکره [۹] می‌باشد استفاده شده است. توضیحات بیشتر پیرامون پیکره تهیه‌شده در بخش (۲-۲) ارائه می‌گردد.

۲. روش‌شناسی

۲.۱. روش تحلیل مبتنی بر پیکره (پیکره‌بنیاد)

در نگاه اول تحلیل پیکره به عنوان یک روش جهت تحلیل متن شناخته می‌شود. هر چند این موضوع مورد پذیرش بسیاری از زبان‌شناسان می‌باشد، اما برخی بر این باورند که آن را باید به عنوان یک نظریه در نظر گرفت. مقصود این گروه این است که تنها منبع شناخت زبان، پیکره است و نظریه‌های دیگر زبان بدون آن اعتبار چندانی ندارند [۱۸]، صص ۱۴۷-۱۵۲]. در تحقیق حاضر بیشتر بر جنبه ابزاری بودن پیکره تکیه می‌گردد؛ بنابر این پیرامون نظریات زبان‌شناسان مذکور، بحثی مطرح نمی‌شود، اما برای آشنایی با مبانی تحلیل پیکره که مورد پذیرش ضمنی است به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از کمیته‌های اساسی در تحلیل پیکره، بسامد یا فراوانی می‌باشد. فرض مبنایی که موجب اهمیت بسامد می‌شود این است که بسامد غیرمتعارف یک واژه (یا هر عبارتی) در متن می‌تواند نشان از نقش کلیدی و محوری آن واژه (یا عبارت) در متن باشد. هرگاه این واژه، محتوایی^۱ باشد، آن‌گاه این نقش معنایی است و بسامد غیرمتعارف، بیشتر دلالت بر گسترش دامنه و شدت معنایی واژه می‌کند (مفهومی نزدیک به این اصل را در زبان عربی نیز مشاهده می‌کنیم؛ آنجا که فعل ثلاثی هنگامی که به باب‌هایی با اوزان مختلف می‌رود، اضافه شدن حروف را معمولاً دلالت بر افزایش دامنه و شدت معنای اصلی فعل ثلاثی می‌دانند). هرگاه این واژه عملکرد نحوی و دستوری

۱. به‌طور کلی واژه‌ها از جنبه ارتباط آن‌ها با ساختار و یا معنای جمله به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از آن‌ها نقش محتوایی دارند، یعنی آنکه معنی آن‌ها مهمترین کارکرد و ویژگی آن‌ها می‌باشد؛ اسم‌ها، افعال، صفات و قیود از جمله این واژه‌ها می‌باشند. برخی دیگر اطلاعات چندانی نداشته، بلکه نقش آن‌ها نحوی و دستوری بوده و به ایجاد ساختار جمله کمک می‌نمایند؛ از جمله انواع ضمائر، حروف ربط همچون «واو» و «فاء» عاطفه و حروف جر در زبان عربی.

داشته باشد، آن‌گاه بسامد غیرمتعارف، بیشتر دلالت بر اهمیت ساختاری واژه دارد. در طراحی و ایجاد پیکره به استثناء پیکره‌های خاص، پیکره خود معمولاً یک نمونه بزرگ از کل نامحدود زبان متن می‌باشد، از این روی نتایجی که بر اساس تحلیل نمونه به دست می‌آید توصیفی از گرایش کلی و محتمل ویژگی‌های زبان متن می‌باشد که در نمونه خود را به شکل عینی نشان داده‌اند. بنابراین تا زمانی که روش‌های عینی‌تری این نتایج را تغییر ندهد، آن‌ها دارای اعتبار بوده و قابل پذیرش می‌باشند. بر این اساس عمومیت دادن نتایج، نوعی برآورد تخمینی از گرایش زبان متن می‌باشد و باید به این مبنای تحلیلی توجه داشت. پیکره نمونه باید به اندازه‌ای بزرگ باشد که بتوان آن را نماینده و نمونه کاملی از ویژگی‌های زبان متن دانست. اما در شرایطی ممکن است بتوان کل زبان مرتبط را گردآوری نمود و آن‌را به عنوان پیکره مورد تحلیل قرار داد، در این حالت تحلیل پیکره به نتایجی منجر می‌شود که بر کل زبان اطلاق داشته و در آن صورت لزومی به عمومیت دادن نتایج و سخن از برآورد و گرایش تخمینی نمی‌باشد [۱۳، صص ۱۳-۱۵]. پیکره مورد تحلیل در این تحقیق، تمام زبان متن (قرآن) را در برمی‌گیرد؛ بنابراین نتایج آن با اطمینان بیشتری قابل استناد است.

از مبانی دیگر تحلیل پیکره، فرض عینی بودن آن می‌باشد که در حقیقت توصیفی از ویژگی روش‌های به کار رفته در تحلیل می‌باشد، یعنی این روش‌ها به میزان زیادی عینی و مستقل از گرایش و گزینش‌های محقق است [۱۳، صص ۱۶-۱۹].

علاوه بر مبانی ذکر شده برخی از روش‌ها و تکنیک‌های به کار رفته در تحلیل پیکره، مبنای نظری ویژه خود را دارند؛ برای مثال تحلیل همجواری واژه‌ها با این فرض ضمنی و مبنایی همراه است که هر گاه واژه‌هایی به همجواری با واژه خاصی گرایش و تمایل دارند، آن‌گاه بین آن‌ها و واژه مذکور نوعی وابستگی ساختاری یا معنایی وجود دارد، به نحوی که می‌توان با تحلیل این وابستگی وجوه سبک‌شناسانه یا معناشناسانه متن مورد نظر را تبیین ژرف‌تری نمود.

روش‌ها و عملیات پایه همچون تهیه لیست مرتب‌شده‌ای از واژگان پیکره بر اساس بسامد و نیز مشاهده سطرهای حاوی یک واژه خاص، بخشی از آمار توصیفی محسوب می‌گردند؛ اما تحلیل پیکره به عملیاتی فراتر از موارد مذکور وابسته است. لیست بسامد واژه‌ها، اطلاعات چندانی برای تحلیل پیکره و بررسی الگوهای ساختاری و معنایی فراهم نمی‌کند، بلکه خود داده‌های خامی می‌باشند که در عملیات دیگر به کار می‌روند. با این وجود لیست فوق می‌تواند برای کسانی که با طرح مواد درسی برای زبان سرکار دارند، راهنمای مناسبی باشد [۱۶، صص ۴۸-۵۳].

یکی از روش‌های مهم در تحلیل پیکره متنی، بررسی اجزای کلیدی متن اعم از ساختاری یا معنایی آن می‌باشد. این اجزاء هر کدام می‌توانند در سطوح مختلفی مورد تحلیل قرار گیرند. برای نمونه هرگاه واژگان یک متن را از جنبه ساختاری تحلیل نمود، آن‌گاه با تعیین مناسب واژه‌های کلیدی می‌توان ویژگی‌های سبکی متن را شناسایی نمود و هرگاه آن‌ها را از جنبه معنایی تحلیل کرد می‌توان به مفاهیم و موضوعاتی که متن پیرامون آن‌ها است دست یافت. واژه‌های کلیدی یک پیکره، معمولاً واژگانی تعریف می‌شوند که بسامد آن‌ها به شکل غیرمعمول بالا است. این تعریف نخستین بار توسط «مایک اسکات»^۱ [۲۰]، تهیه‌کننده برنامه WordSmith، یکی از اولین و مطرح‌ترین محیط‌های نرم‌افزاری تحلیل پیکره ارائه گردید [۹] و به تدریج صفت «غیرمعمول» شکل آماری در فضای احتمالات گرفت [۲۲، ص ۲۳۶]، به این نحو که با تهیه و ایجاد یک پیکره که به طور تخمینی نمونه جامعی از زبان مرتبط با پیکره مورد مطالعه است و مرجع قرار دادن آن، بسامد (نسبی) واژه‌های پیکره مورد مطالعه با بسامد (نسبی) همان واژه‌ها در پیکره مرجع مقایسه می‌شود.

میزان معناداری اختلاف بسامدها برای هر واژه در یک فرآیند آماری و در فضای احتمالات آزمون می‌شود. برای این منظور فرض اولیه‌ای موسوم به فرض تهی^۲ مبنی بر آنکه بین بسامدها اختلافی وجود ندارد و آنچه که در مشاهده، روی داده یک تصادف است، مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای آزمون این فرض از تست‌های شناخته شده همچون تست χ^2 (chi-squared) و یا G^2 (log-likelihood) استفاده می‌شود. برای این منظور مقدار فرمول χ^2 یا G^2 برای مقادیر مشاهده شده، محاسبه می‌گردد، سپس این مقدار با داده‌های جدول تعریف شده‌ای که مقادیر بحرانی را به ازای درجه آزادی و احتمال خطا نشان می‌دهد، مقایسه می‌گردد. هرگاه مقدار محاسبه شده از مقدار بحرانی بزرگتر باشد، در آن صورت اختلاف مشاهده شده در بسامد نمی‌تواند از روی تصادف و شانس باشد و معنادار خواهد بود. برای مثال اگر درجه آزادی ۱ باشد و احتمال خطا را یک صدم درصد ($p < 0.0001$) فرض نماییم، در آن صورت هرگاه مقدار محاسبه شده از مقدار جدول بزرگتر باشد، آن‌گاه می‌توان گفت که اختلاف بسامد مشاهده شده با ۹۹٫۹۹ درصد اطمینان نمی‌تواند از روی تصادف باشد. مقدار محاسبه شده به «معناداری آماری»^۳ موسوم است که در حقیقت ضریبی است که میزان اطمینان از معناداری اختلاف را نشان می‌دهد. این میزان در عمل، ملاکی برای کلیدی بودن واژه، تبدیل شده

1. Mike Scott.

2. Null Hypothesis.

3. Statistical Significant.

است. هرچند به صورت غیرمستقیم در محاسبه ضریب معناداری، اختلاف بسامدها ملاحظه شده است، اما همان طور که اشاره شد هدف از محاسبه آن تنها آزمون فرض تهی است. اسکات [۲۱] خود با ملاحظه این موضوع به تحلیل گر پیکره توصیه می کند که این مقادیر نمی تواند به عنوان رتبه بندی واژه ها از جنبه کلیدی بودن آن ها به کار رود و در نتیجه نمی توان با مقادیر محاسبه شده، مقیاسی برای کلیدی بودن بناء نمود. برخی از زبان شناسان از جمله «گابریالتوس»^۱ [۱۴] این لغزش در تعریف مفهوم «کلیدی بودن» را بررسی و نقد نموده و با توجه به این امر و به منظور داشتن مقیاسی جهت اندازه گیری این متغیر به صورت کمی، توابع آماری دیگری موسوم به «اندازه- اثر»^۲ را مناسب می داند که مقادیر حاصل از آن ها را می توان به عنوان مقیاسی برای رتبه بندی واژه های کلیدی در نظر گرفت. برخی از این توابع در روابط ۱ الی ۳ به نمایش درآمده است و انتخاب یکی از آن ها بستگی به آن دارد که کدام یک، برای محقق گویایی بیشتری فراهم می کند، زیرا انتخاب هر یک در رتبه بندی واژه ها تغییری حاصل نمی کند. هرگاه تعداد کل واژه های پیکره مورد مطالعه n_1 و بسامد واژه ای در آن f_1 باشند و مقادیر مذکور در پیکره مرجع به ترتیب n و f باشند، آنگاه بسامد نسبی واژه در هر یک با روابط $f_r = f / n$ و $f_{1r} = f_1 / n_1$ به دست می آید. مقدار «اندازه- اثر» را می توان با جایگزین نمودن مقادیر اخیر در یکی از روابط به دست آورد.

$$Ratio = f_{1r} / f_r \quad (۱)$$

با محاسبه اندازه- اثر می توان اختلاف و نیز تشابه بسامد واژه ها در دو پیکره را به نمایش

$$LogRatio = \log (f_{1r} / f_r) \quad (۲)$$

درآورد. این دیدگاه هدف از محاسبه اندازه - اثر را ارائه تصویری درست از اختلاف و تشابه

$$\%Diff = (f_{1r} - f_r) * 100 / f_r \quad (۳)$$

بسامدی بین دو پیکره می داند، از این روی اصرار چندانی بر بزرگی پیکره ندارد؛ بلکه

اهمیت را در انتخاب اصولی و نمونه بودن پیکره ها می داند. با گروه بندی مقادیر محاسبه شده می توان دو پیکره را با یکدیگر مقایسه نمود و وجوه اختلاف و تشابه را بین دو متن تحلیل نمود. در این رویکرد به رتبه بندی بسامد واژه ها در خود پیکره به عنوان عاملی در تعیین کلیدی بودن واژه، توجه ای نمی شود، اما رویکردی که عمدتاً در تحلیل کیفی، به مسئله رتبه بندی بسامد واژه ها در پیکره هدف توجه می کند، از روابطی دیگری از جمله رابطه (Dice Coefficients)، برای محاسبه اندازه- اثر استفاده می کند. در تحقیق حاضر از

1. Gabrielatos.

2. Effect-size.

این رابطه برای محاسبه اندازه- اثر و رتبه‌بندی واژه‌ها استفاده شده است و محیط AntConc نیز از همین رابطه، به عنوان پیش‌فرض استفاده می‌کند.

۲.۲. تهیه و تدوین پیکره مورد نیاز

تحلیل مبتنی بر پیکره به دو مؤلفه نیاز دارد. یک مؤلفه، همان پیکره متنی است که مجموعه بزرگی از داده‌های متنی است و مؤلفه دوم، محیط‌های نرم‌افزاری است که باید با توجه به اهداف تحقیق نوشته و یا از میان برنامه‌های موجود انتخاب شود.

یکی از ملاحظات کلیدی در ایجاد پیکره، اندازه و بزرگی آن می‌باشد که تابع دو عامل است: **عامل نخست** بیانگر آنست که پیکره باید به میزان کافی بزرگ باشد که بتوان آن را نمونه محدود اما تقریباً کامل از ویژگی‌های زبان مورد تحقیق دانست. با توجه به آنکه متن قرآن در بیان مفاهیم دینی از جامعیت برخوردار است، از این روی می‌توان آن را یک پیکره مرجع و کامل در نظر گرفت و دیگر بحث نمونه گرفتن از جامعه آماری مطرح نمی‌باشد. **عامل دوم** به ناممکن بودن دسترسی و یا گردآوری برخی از متون بازمی‌گردد که در این تحقیق با آن مواجه نمی‌باشیم. برنامه AntConc متن قرآن را در حدود ۸۸ هزار واژه نشان می‌دهد و با حذف واژه‌های نحوی که در تحقیق حاضر مورد توجه نمی‌باشند، این مقدار به حدود ۵۵ هزار واژه بالغ می‌شوند که از لحاظ اندازه در مقایسه با پیکره‌هایی که برای اهداف خاصی ایجاد می‌شوند، میزان قابل‌قبولی است.

پس از گردآوری و ایجاد پیکره مورد نیاز، ضروری است، پیش از تحلیل آماری، برخی از پردازش‌های مقدماتی بر روی آن انجام گیرد. برای مثال، متن قرآن با رسم‌الخط امروز عربی دارای واژه‌هایی است که نقش نحوی داشته و عموماً به واژه پس از خود متصل می‌شوند. برای نمونه عبارت «فلیعلمن» از کلمات «فاء» عاطفه، «لام» توكید، فعل مضارع «یعلم» و «نون» توكید در آخر آن تشکیل یافته است. در این حالت با توجه به هدفی که تحلیل کمی دنبال می‌کند، باید تصمیم گرفت که آیا جداسازی بین واژه‌ها صورت گیرد و یا اینکه این واژه مرکب و همه واژه‌های مرکب و هم‌خانواده آن را در یک گروه و تحت عنوان یک سرگروه موسوم به «مدخل»^۱ به منظور تحلیل درآورد. در تحلیل کمی هرگاه به دنبال کشف الگوهای معنایی می‌باشیم، واژه‌های محتوایی اهمیت خواهند داشت و هرگاه به دنبال کشف الگوهای ساختاری می‌باشیم همه واژه‌ها و در برخی از موارد، تنها واژه‌های نحوی حائز اهمیت می‌باشند. بنابراین با

1. Lemma.

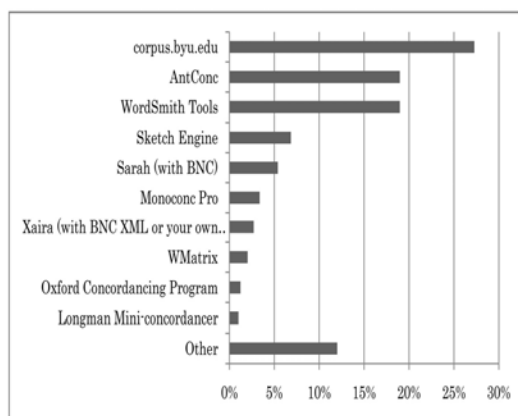
توجه به هدف تحلیل، ممکن است بررسی بسامد یکی از این دو نوع اهمیت یابد، در آن صورت می‌توان پردازش را تنها روی همان نوع متمرکز نمود. در این حالت واژه‌هایی که خارج از محدوده پردازش قرار خواهند گرفت، به عنوان «لیست توقف»^۱ به برنامه معرفی می‌شوند و برنامه به هنگام عملیات آماری از پردازش آن‌ها خودداری می‌کند.

در تحقیق جاری از آنجایی که هدف تعیین مفاهیم کلیدی سوره می‌باشد و الگوهای معنایی حول این مفاهیم شکل می‌گیرند، در نتیجه آنچه که برای تحلیل کمی اهمیت دارد، نقش محتوایی واژه‌ها است. از این روی تا آنجا که ممکن بوده، واژه‌هایی که عامل نحوی یا گرامری شناخته می‌شوند، در لیست توقف جای گرفته‌اند. با توجه به اهمیت ذکر شده، باید تمام تغییراتی که در صورت و فرم واژه‌ها به دلیل قاعده‌های نحوی و صرفی ایجاد می‌شود، حذف و یا مورد اغماض قرار گیرند. بنابراین در ابتدا حرکات و اعراب واژه‌ها حذف و در مرحله بعد تغییرات صرفی مورد اغماض قرار می‌گیرند. برای این منظور واژه‌هایی هم‌چون «ظالم»، «ظالمین»، «ظالمون» و «ظالمون» و همچنین شکل معرفه آن‌ها، همگی در یک گروه و تحت عنوان یک سرگروه موسوم به مدخل قرار می‌گیرند، مانند آنچه که در فرهنگ لغات مشاهده می‌شود. محیط برنامه در تعیین بسامد واژه‌ها، واژه مدخل و اعضای گروه را شناسایی کرده و بسامد واژه‌های اعضاء را به حساب واژه مدخل می‌گذارد. نحوه معرفی مدخل و اعضای آن می‌تواند مانند سطرهای شکل ۱ باشد. همچنین واژه‌هایی هم‌چون واژه «فلیعلمن» و همه واژه‌های مشابه از جنبه معنایی ذیل مدخل «علم» قرار می‌گیرد:

.....	الظالمین	ظالمین	الظالمون	ظالمون	ظالم	->	الظالم
.....	ظلموا	یظلمون	ظلمونا	ظلمتم		->	ظلم
.....	بظلم	ظلمه	فیظلم	بظلمهم		->	الظلم
.....	تعلمو	تعلّموا	تعلّمون	تعلّموا	اعلموا	->	علم
.....	لّیعلمن	فایعلمون	فسیعلمون	علمنی	سیعلمون		

شکل ۱. نحوه معرفی مدخل و اعضای گروه در محیط برنامه

در این فرآیند ممکن است یک مسئله جانبی پیش آید. با حذف حرکت و اعراب



کلمات، واژه‌های همچون «ظَلَمَهُمْ» و «ظَلَّمَهُمْ» به واژه مشابه‌ای تبدیل می‌شوند در حالی که یکی از آن‌ها فعل و دیگری اسم می‌باشد. در این موارد با بررسی این واژه‌ها در متن آیات، سعی گردیده، واژه‌ای که بسامد بیشتری در مجموع آیات دارد، مبنای تحلیل قرار گیرد و در این راستا تلاش شده درصد خطا

تا حد ممکن کم باشد. در مجموع شکل ۲. میزان پذیرش و کاربرد نرم‌افزارهای تحلیل پیکره [۹] با بررسی‌های انجام شده موارد ذکر شده بسیار کم می‌باشند. عملیات آماده‌سازی متن هر چند معمولاً زمانبر است، اما برای حصول نتایج دقیق‌تر ضروری است. مؤلفه دوم در تحلیل پیکره، محیط نرم‌افزاری می‌باشد که تحلیل‌های کمی و آماری در آن انجام می‌شود. در تحقیق حاضر از یکی از نرم‌افزارهای مطرح در تحلیل پیکره موسوم به AntConc [۹ و ۱۰] که با امکانات خود مورد پذیرش بسیاری از محققین زبان گردیده، استفاده شده است (شکل ۲).

۳. یافته‌ها و تحلیل نتایج

۱.۳. نتایج تحلیل کمی سوره شوری

جدول ۱ دوازده واژه نخست را که بسامد آن‌ها بزرگ‌تر یا برابر با ۵ می‌باشند نشان می‌دهد:

مرتبه	واژه	بسامد	مرتبه	واژه	بسامد
۱	الله	۳۲	۷	السماء	۷
۲	شاء	۱۶	۸	الظالم	۶
۳	الأرض	۱۰	۹	العبد	۶
۴	رب	۱۰	۱۰	العذاب	۶
۵	آمن(ایمان)	۸	۱۱	أوحى(انحاء)	۵
۶	الولي	۸	۱۲	الشيء	۵

جدول ۱. دوازده واژه نخست با بسامد $f \geq 5$

همچنین جدول ۲ واژه‌های کلیدی سوره شوری، به ترتیب کلیدی بودن بر مبنای اندازه اثر و با حداکثر احتمال خطای یک دهم درصد ($p < 0.001$) در معناداری آماری را نشان می‌دهد.

مرتبه	واژه	بسامد	اندازه اثر	معناداری آماری
۱	شاء	۱۶	۰,۰۴۲	۳۵,۷
۲	الولي	۸	۰,۰۲۵۸	۲۰
۳	أوحى(ایحاء)	۵	۰,۰۱۷۱	۱۱,۸۱
۴	عفا	۴	۰,۰۱۴۸	۱۴,۷
۵	استجاب	۴	۰,۰۱۴۷	۱۳,۹۱
۶	الحرث	۳	۰,۰۱۱۴	۱۲,۹۲
۷	شرع	۲	۰,۰۰۷۸	۱۳,۲۴

جدول ۲. واژه‌های کلیدی سوره شوری با احتمال خطا ($p < 0.001$)

فاصله نسبتاً زیاد دو واژه نخست، نسبت به واژه‌های بعدی می‌تواند نشان از اثر و نقش کلیدی آن‌ها از جنبه مفهومی باشد که یکی به «قدرت و اختیار مطلق» خداوند اشاره دارد و دیگری به «ولی بودن» وی تأکید می‌کند. اگر بازه احتمال را کمی بزرگتر نماییم واژه‌های بیشتری نتیجه می‌گردند؛ برای مثال اگر حداکثر خطا را یک درصد ($p < 0.01$) بگیریم آن‌گاه ۱۰ واژه نخست کلیدی جدول ۳ نتیجه می‌شود:

مرتبه	واژه	بسامد	اندازه اثر	معناداری آماری
۱	شاء	۱۶	۰,۰۴۲	۳۵,۷
۲	الولي	۸	۰,۰۲۵۸	۲۰
۳	العبد	۶	۰,۰۱۸۶	۹,۶۳
۴	الظالم	۶	۰,۰۱۸۴	۹,۱۴
۵	أوحى(ایحاء)	۵	۰,۰۱۷۱	۱۱,۸۱
۶	عفا	۴	۰,۰۱۴۸	۱۴,۷
۷	استجاب	۴	۰,۰۱۴۷	۱۳,۹۱
۸	السيئة	۴	۰,۰۱۳۸	۸,۴۷
۹	الحرث	۳	۰,۰۱۱۴	۱۲,۹۲
۱۰	شرع	۲	۰,۰۰۷۸	۱۳,۲۴

جدول ۳. ده واژه نخست کلیدی سوره شوری با احتمال خطا ($p < 0.01$)

۲.۳. نمودار مفهومی^۱ واژه‌های کلیدی

اکنون با داشتن واژگان کلیدی و با توجه به میزان کلیدی بودن آن‌ها سعی خواهیم نمود که بین مفاهیم مدلول آن‌ها ارتباط معنادار و مستدلی برقرار نماییم به گونه‌ای که یک الگویی منسجم از مفاهیم کلیدی را نشان دهند. برای این منظور از یک نمودار تصویری موسوم به نمودار مفهومی [۱۹] استفاده می‌کنیم که ابزاری مؤثر برای نشان دادن الگوی ارتباطی بین مفاهیم است. اما پیش از به‌کارگیری آن لازم است در ابتدا به تحلیل معنایی واژگان کلیدی در آیاتی که در آن‌ها ظاهر می‌شوند، پرداخت. این تحلیل که موسوم به تحلیل مختصاتی^۲ واژه است، در حقیقت به بررسی وجوه معنایی مختلف واژه در جملات و عبارتهای مختلف پرداخته و تلاش می‌کند که ارتباط مفاهیم کلیدی را با مفاهیم نزدیک و مرتبط واکاوی نماید. برای این منظور معمولاً محیط برنامه لیستی از تمام سطرهایی که واژه کلیدی مورد نظر در آن‌ها ظاهر می‌شود، یک‌جا در اختیار محقق قرار می‌دهد. با مطالعه و بررسی این سطرها معمولاً به آسانی می‌توان ارتباط بین مفاهیم کلیدی و دیگر مفاهیم را دریافت نمود. برای مثال اگر نخستین واژه کلیدی یعنی واژه «شاء» را در نظر بگیریم و آیات مختلف سوره شوری را که در آن‌ها وجوه مختلف صرفی این واژه در آن‌ها بکار رفته است، بررسی نماییم به این نتیجه می‌رسیم که مقصود این آیات توصیف «اختیار مطلق و خواست بی‌چون» خداوند می‌باشد. این آیات، اختیار مطلق حق را در خلق هستی و هدایت آن توضیح می‌دهد؛ اما مفهوم کلیدی دیگری که با مفهوم اخیر مرتبط است، آنست که اختیار مطلق و بی‌چون خداوند از «قدرت مطلق» وی ناشی می‌شود که او را قادر می‌سازد نه تنها موجودات را خلق نماید بلکه بر آن‌ها سیطره داشته و حیات و ممات مادی و معنوی آنان در دستان وی باشد.

همان‌طور که اشاره شد نمودار مفهومی، یک نمودار تصویری است که معمولاً در آن از اشکال دایره یا مستطیل به عنوان سمبول یا نمادی از مفاهیم استفاده می‌شود و در داخل آن‌ها واژه مرتبط با آن مفهوم نوشته می‌شود. به این اشکال «گره»^۳ گفته می‌شود. همچنین ارتباط بین مفاهیم یا همان گره‌ها به وسیله خطوطی ساده یا پیکان‌دار نشان داده می‌شود که بر روی آن‌ها نحوه ارتباط به صورت یک فعل یا عبارت بیان می‌شود. به این خطوط «قوس»^۴ گفته می‌شود. نمودار مفهومی از بالا به پایین با مفاهیم کلی آغاز

1. Concept Map.
2. Concordance Analysis.
3. Node.
4. Arch.

شده و به تدریج در سطوح بعدی از کلی بودن مفاهیم کاسته می‌شود. برای ترسیم الگوی معنایی بین واژگان کلیدی ابتدا از واژه‌های نخست در جدول آغاز می‌کنیم. هر واژه کلیدی که فعل می‌باشد، بر روی قوس ارتباطی قرار می‌گیرد که دو گره با مفاهیم مرتبط را به یکدیگر متصل می‌کند و هر واژه کلیدی که به صورت اسم می‌باشد، در داخل گره قرار می‌گیرد. همچنین برای وضوح بیشتر، واژگان کلیدی به صورت پررنگ می‌باشند.

برای تشخیص ارتباط واژه کلیدی با مفاهیمی دیگر، باید تمام آیاتی که واژه کلیدی در آن‌ها به کار رفته را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. این فرآیند در واقع گام‌های نخست تحلیل کیفی را ترسیم می‌کند. نخستین واژه کلیدی، واژه «شاء» است. واژه «شاء» در آیات به کار رفته، به مضمونی اشاره می‌کند که «**اختیار مطلق و خواست بی‌چون**» خداوند را در امر خلق و هدایت توصیف می‌کند. اختیار مطلق خداوند از «**قدرت مطلق**» وی ناشی می‌شود که وی را قادر می‌سازد نه تنها موجودات را خلق نماید، بلکه مالک آن‌ها بوده و حیات و ممات آن‌ها در دستان او باشد. در ذیل برای نمونه تنها به یک آیه از جدول ۴ در پیوست (الف) اشاره می‌شود که شامل آیاتی با مضمون اخیر است:

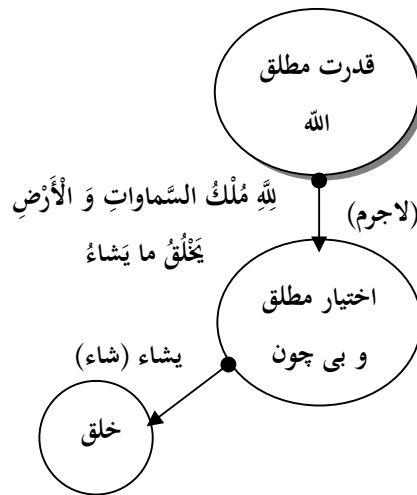
لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ الذُّكُورَ [الشوری: ۴۹].

همچنین در ذیل در ارتباط با مفهوم کلیدی «**اختیار مطلق و خواست بی‌چون**»، برای نمونه تنها به آیه‌ای از جدول ۵ پیوست (الف) شامل آیاتی با این مضمون اشاره می‌شود:

وَ كَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ رُوْحًا مِّنْ اٰمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرٰى مَا الْكِتٰبُ وَ لَا الْاِيْمٰنُ وَ لَكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا نُّهْدٰى بِهٖ مَنۢ نَّشَآءُ مِّنۢ عِبَادِنَا وَاِنَّكَ لَتَهْدٰى اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ [الشوری: ۵۲].

با توجه به مضامین آیات و مفاهیم کلیدی مطرح شده نمودار مفهومی آن‌ها شکل ۳ خواهد بود.

گذاشتن جمله یا عبارتی (در اینجا آیه) مرتبط با گره‌ها در نمودار امری اختیاری است و معمولاً در حالت استاندارد برای گروهی از گره‌ها، جمله یا عبارتی نوشته می‌شود؛ اما در نوشته حاضر برای تأکید بیشتر بر روی الگوی معنایی، آیه‌ای که مورد استناد قرار گرفته و ارتباط بین دو یا چند گره را آشکار می‌نماید، درج می‌شود.

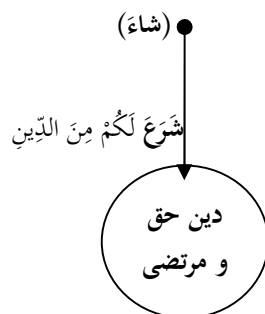


شکل ۳. نمودار مفهومی واژه کلیدی «شاء» و

مفاهیم کلیدی قدرت مطلق، اختیار بی چون و خلق

حال اگر در جدول واژه‌های کلیدی، واژه‌های مرتبط با واژه کلیدی «شاء» را جستجو نماییم با یکی دیگر از مصادیق مفهوم کلیدی «اختیار مطلق» خداوند روبرو می‌شویم؛ یعنی شرع یا تشریح دینی که موجب رضایت اوست. بنابراین لزوماً مفهوم کلیدی دین که مرتبط با «شَرَع» است در سطح بعدی نمودار مفهومی قرار می‌گیرد (شکل ۴).

نکته قابل توجه در ارتباط با واژه کلیدی «شَرَع» این است که تنها دو بار با تفاوت اندکی در شکل صرفی آن در سوره شوری آمده است و در سوره‌های دیگر قرآن مشاهده نمی‌شود: (۱) شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳)



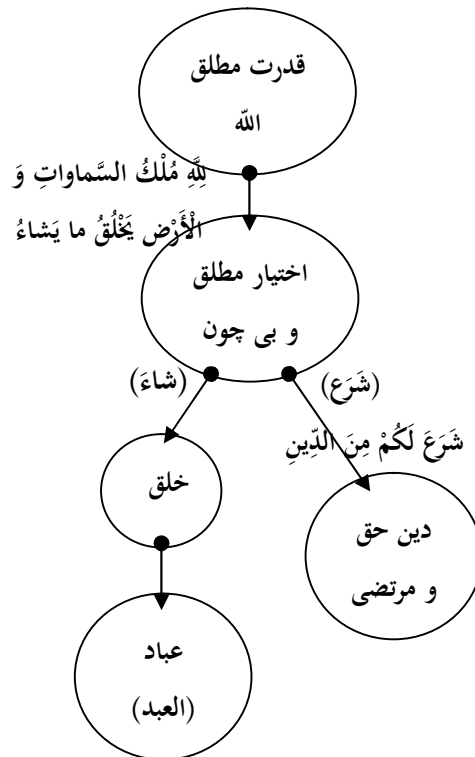
شکل ۴. نمودار مفهومی واژه‌های

کلیدی «شاء» و «شَرَع»

(۲) أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

صفات منظور شده برای دین یعنی «حق» و «مرتضی» نیز از سوره‌های دیگر قرآن گرفته شده است تا تأکیدی باشد بر منشأ دین که مبتنی بر خواست و اختیار اوست و اینکه حق همان چیزی است که او اراده نموده است. آیات توصیف‌کننده دین با صفات فوق در جدول ۶ پیوست (الف) قابل مشاهده است. با تلفیق دو نمودار فوق نمودار مفهومی شکل ۵ بدست می‌آید.

همچنین از مصادیق خلق، مفهوم اعم بندگان یعنی واژه کلیدی «عباد» جمع «العبد» را شامل می‌شود.



شکل ۵. نمودار مفهومی واژه‌های کلیدی «شاء» و «شرع» و مفاهیم کلیدی مرتبط

اما از واژه‌های کلیدی که ضریب بالایی از تأثیر در الگوی معنایی دارد، واژه «الولی» است که با بررسی آیات مرتبط، نقش اصلی ولی را «هدایت» به راه‌های رشد یعنی «دین

حق» می‌بینیم. در آیه ۴۴ سوره شوری به شکل ضمنی به این نقش اشاره می‌کند؛ اما تصریح روشن‌تر آن را می‌توان در آیه ۲۵۷ سوره بقره مشاهده کرد:

۱. وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلِ [الشوری: ۴۴].

۲. [اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ] [البقره: ۲۵۷]^۱

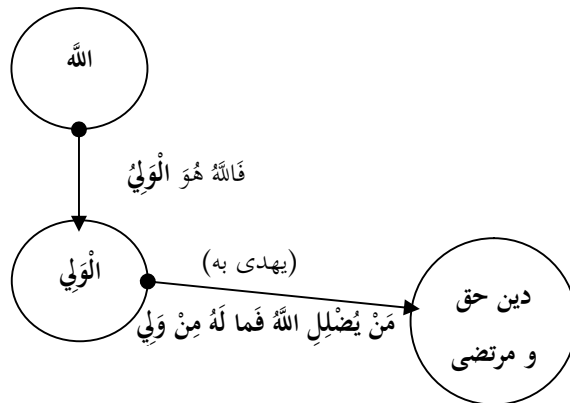
آیات دیگر سوره شوری که واژه کلیدی «الولی» در آن‌ها آمده است به انحصاری بودن این نقش برای خداوند اشاره دارند. این آیات در جدول ۷ پیوست (الف) آمده است و برای نمونه می‌توان به آیه ۳۱ سوره اشاره نمود:

وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ [الشوری: ۳۱].
بنابراین با توجه به مضامین آیات فوق و نقش ولی، نمودار مفهومی مرتبط با این واژه کلیدی به شکل ۶ خواهد بود.

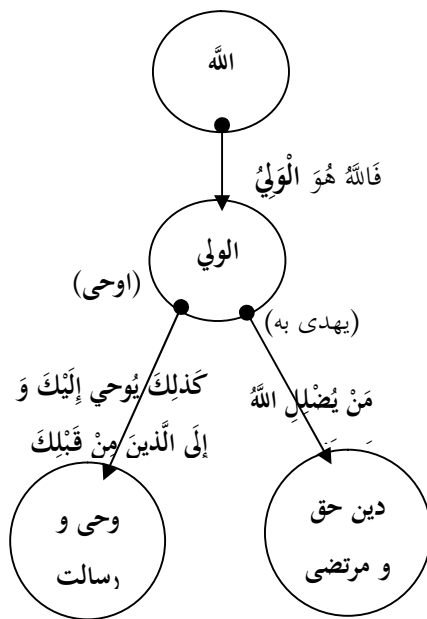
۱. علامه طباطبایی [۶، ج ۲، ص ۳۴۶]، در ذیل آیه فوق ضمن نقد مفسرانی که واژه‌های «نور» و «ظلمت» را استعاره و تشبیه از مفاهیم دیگری می‌دانند، در پایان، مضامین بیان شده با آن‌ها را کنایه از هدایت و اضلال می‌دانند: ... علی‌ای حال فالجملتان أعنی: قوله تعالى: يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، و قوله تعالى: يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، کنایتان عن الهدایة و الإضلال و إلا لزم أن یکون لكل من المؤمن و الکافر نور و ظلمة معا ...

شیخ طبرسی [۷، ج ۲، ص ۶۳۲]، نیز در ذیل آیه مذکور، سه وجه از مفهوم «ولی بودن» خداوند را برای مؤمنان برمی‌شمارد که نخستین آن‌ها هدایت است: ... الله تعالى ولی المؤمنین علی ثلاثة أوجه أحدها أنه یتولاهم بالمعونة علی إقامة الحجة و البرهان لهم فی هدایتهم کقوله «وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» و ثانیها أنه ولیهم فی نصرهم علی عدوهم و إظهار دینهم علی دین مخالفیهم و ثالثها أنه ولیهم یتولاهم بالمشورة علی الطاعة و المجازاة علی الأعمال الصالحة.

شیخ طوسی [۸، ج ۲، ص ۳۱۴] نیز در ابتدا واژه‌های «نور» و «ظلمات» را استعاره از ایمان و کفر می‌گیرد اما با آوردن قولی از قتاده که آن‌ها را به مفهوم هدایت و ضلالت گرفته سخن خود را با قول قتاده تلفیق می‌کند: ... و قوله (يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ). و معناه: من ظلمات الکفر إلى نور الايمان، لأن الکفر كالظلمة فی المنع من إدراك الحق كما أن الظلمة مانعة من إدراك البصر. و قال قتاده: یخرجهم من ظلمة الضلالة إلى نور الهدی، و هذا قریب من الأول، و وجه إخراج الله تعالى المؤمنین من ظلمات الکفر و الضلال إلى نور الايمان باهدائهم إلیه، و نصب الأدلة لهم، و ترغیبهم فیه، و فعله بهم من اللطاف ما یقوی دواعیهم إلى الايمان، فإذا اختاروا هم الايمان، فکان الله أخرجهم منها.



شکل ۶. نمودار مفهومی واژه کلیدی «الولی» و مفاهیم مرتبط

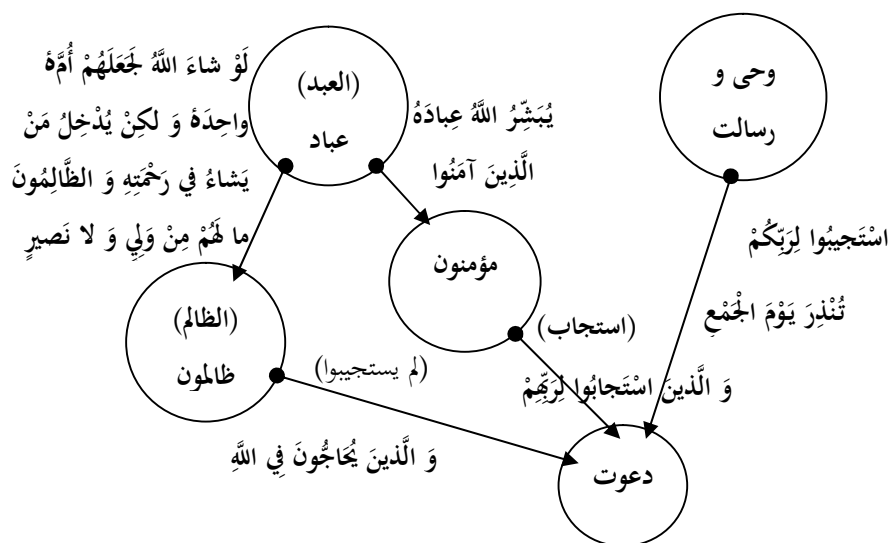


شکل ۷. نمودار مفهومی واژه‌های کلیدی «الولی»، «اوحی» و مفاهیم مرتبط

اقتضای چنین نقشی برای ولی یعنی هدایت به راه‌های رشد و دین حق، آن است که از میان مردم پیامبرانی را مبعوث نماید و از طریق وحی به آنان، تشریح این دین و تبیین راه‌های آن را به مردم رسانده و آنان را دعوت به دین خود کند. بنابراین بعثت پیامبران و نزول وحی از مصادیق تحقق «ولی بودن» خداوند می‌باشد. با توجه به جدول واژه‌های کلیدی مشاهده می‌شود که واژه کلیدی «اوحی» با توجه به مطالب اخیر ارتباط نزدیکی به واژه کلیدی «الولی» خواهد داشت و ارتباط بین مفهوم «ولی» و مفهوم «وحی و رسالت» را فراهم می‌کند.

الحاق این واژه کلیدی به نمودار مفهومی واژه کلیدی «الولی» نمودار شکل ۷ حاصل می‌شود.

در جدول ۳ واژگان کلیدی، واژه دیگری که با نمودار مفهومی فوق از طریق گره «وحی و رسالت» مرتبط می‌باشد، واژه «استجاب» است. مفهوم «استجاب» تداعی کننده مفهوم «دعوت» از سوی کسی می‌باشد. بدیهی است با توجه به وظیفه رسالت، داعی همان رسول خداوند می‌باشد. با بررسی آیاتی از سوره شوری که شامل این واژه می‌باشد، مشاهده می‌کنیم که وظیفه رسول ابلاغ این دین و دعوت مردم به آن بوده و آنکه از آنان بخواهد که این دعوت را پیش از آنکه روز حشر و روز حساب اعمال آنان فرا رسد اجابت نمایند. اما مردم در برابر این دعوت به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی اجابت نموده و گروهی به آوردن حجت و دلیل بر درستی باورهای پیشین خود اصرار می‌ورزند. شکل ۸ نمودار ارتباط‌دهنده گره «وحی و رسالت» با واژه‌های کلیدی «استجاب»، «العبد»، «الظالم» از جدول ۳ را نشان می‌دهد که در آن دو مفهوم «مؤمنون» و «ظالمون» از مصادیق «عباد» در برابر «دعوت» می‌باشند:



شکل ۸. نمودار مفهومی واژه‌های کلیدی «وحی»، «استجاب»،

«العبد یا عباد»، «الظالم یا ظالمون» و مفاهیم مرتبط

آیات مرتبط سوره شوری که در نمودار فوق به کار رفته در جدول ۸ پیوست (الف) قابل مشاهده است.

۳.۳. مقایسه روش‌ها و نتایج

همان‌گونه که در مقدمه اشاره گردید، اغلب تفاسیری که به دنبال تبیین انسجام معنایی سوره از طریق کشف موضوعات محوری آن می‌باشند، رویکرد آن‌ها به مسئله عمدتاً بر اساس مضامین تکرار شده در سوره بناء شده است. هر چند این مضامین تکراری، در ظاهر خود را برجسته نشان می‌دهند، اما می‌توانند خود معلول و یا مصادیقی از مفاهیم کلی‌تر و عمیق‌تری باشند و به نحوی تعین و معنای خود را از آن‌ها گیرند. مطلب اخیر را می‌توان با مقایسه بین نتایج حاصل از رویکرد مذکور با رویکرد مبتنی بر پیکره آشکار نمود. از تفاسیری که با تکیه بر مضامین تکراری، موضوع سوره شوری را مورد بررسی قرار داده‌اند، تفسیر المیزان است. علامه طباطبایی در ابتدای تفسیر این سوره می‌گویند: (موارد تأکید شده با خط زیر و حروف توپر از نویسنده مقاله است)؛

تتکلم السورة حول الوحي الذي هو نوع تكليم من الله سبحانه لأنبيائه و
رسله كما يدل عليه ما في مفتحتها من قوله: «كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ» الآية و ما في مختتمها من قوله: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا
وَحْيًا إِنْ خَالَاتِ الْآيَاتِ، وَ رَجوع الكلام إليه مرة بعد أخرى في قوله: «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا
إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» الآية، و قوله: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا» الآية، و
قوله: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ» الآية و ما يتكرر في السورة من
 حديث الرزق على ما سيجيء.

فالوحي هو الموضوع الذي يجرى عليه الكلام في السورة و ما فيها من
 التعرض لآيات التوحيد و صفات المؤمنين و الكفار و ما يستقبل كلا من الفريقين
 في معادهم و رجوعهم إلى الله سبحانه مقصود بالقصد الثاني و كلام جره كلام.
 [۶، ۱۸، ص ۶].

در تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب نیز مشاهده می‌شود که تقریباً به شیوه مشابه، ابتدا مکی بودن سوره را دلالت بر آن می‌گیرد که موضوع سوره باید مربوط به مسئله عقیده باشد و نیز به دلیل شروع سوره با مسئله وحی و رسالت، و تکرار و بازگشت به این مضمون در خلال سوره نتیجه می‌گیرد، حقیقت وحی و رسالت در مرکز سوره و مفاهیم دیگر جهت تأکید و تقویت همان موضوع آنرا احاطه نموده است، به عبارتی موضوعات دیگر حول این موضوع می‌باشند:

هذه السورة تعالج قضية العقيدة كسائر السور المكية؛ و لكنها تركز بصفة

خاصة على حقيقة الوحي و الرسالة، حتى ليصح أن يقال: إنها هي المحور الرئيسي الذي ترتبط به السورة كلها؛ و تأتي سائر الموضوعات فيها تبعا لتلك الحقيقة الرئيسية فيها. هذا مع أن السورة تتوسع في الحديث عن حقيقة الوجدانية، و تعرضها من جوانب متعددة؛ [...] و لكن حقيقة الوحي و الرسالة، و ما يتصل بها، تظل - مع ذلك - هي الحقيقة البارزة في محيط السورة، و التي تطبعها و تظللها. و كأن سائر الموضوعات الأخرى مسوقة لتقوية تلك الحقيقة الأولى و توكيدها. و يسير سياق السورة في عرض تلك الحقيقة، و ما يصاحبها من موضوعات أخرى بطريقة تدعو إلى مزيد من التدبر و الملاحظة. فهي تعرض من جوانب متعددة. [۵، ج ۵، ص ۳۱۳۷].

احمدزاده [۱، ص ۸۹] ضمن بررسی تفسیر تسنیم، به فرآیندی جامع جهت تبیین وحدت موضوعی سوره‌ها که مؤلف کتاب مطرح ساخته اشاره داشته و معتقد است که از برآیند همه آن‌ها می‌توان به جهت و هدف واحد سوره دست یافت (شکل ۹):

- الف: تعیین مکی یا مدنی بودن سوره و بررسی فضای نزول آن.
- ب: بررسی صدر و ذیل سوره؛ چون ذیل سوره از باب ردّ العجز إلى الصدر به منزله جمع‌بندی مضامین سوره است.
- ج: انسجام و پیوستگی مطالب و آیات سوره.
- د: تکرار برخی مطالب در مضامین سوره.
- ه: بررسی غرر آیات (آیات برجسته) سوره که به منزله واسطه العقد آن سوره است.
- و: بررسی شأن نزول برخی از آیات و فضای نزول مجموع سوره.
- ز: رهنمود احادیث معتبر که در آگاهی دادن به سیر اصلی معارف سوره وارد شده است.

در همین راستا استاد جوادی آملی عناصر محوری سوره شوری را مانند سور مکی حول اصول دین و آن‌را مانند سور «حوامیم» مشترک در موضوع «وحی و نبوت» دانسته و تکرار این مضمون در صدر، ذیل و در اثنای سوره را تأکیدی بر این موضوع و نیز موضوع «ضرورت وحی و نبوت» می‌داند [۳].

فرآیند فوق روشمند و کامل به نظر می‌رسد تا آنجا که توانسته موضوع «ضرورت

وحی و نبوت» را مطرح نماید که خود بیانگر کلیدی بودن مفاهیمی است که موجب این ضرورت گردیده است. با این حال در فرآیند مذکور همان شیوه تکیه بر مضامین تکراری دیده می‌شود و نیز تضمینی برای همگرایی مراحل فرآیند وجود ندارد.

در مقایسه با روش‌های فوق، تحلیل کمی مبتنی بر پیکره، لیستی از واژه‌های کلیدی متن فراهم می‌کند که بستری برای تحلیل کیفی و هدایت جریان آن می‌باشد. تحلیل‌گر در گام نخست، به دنبال کشف ارتباط و وابستگی معنایی بین واژه‌های کلیدی خواهد بود. در این راستا ابتدا نخستین واژه کلیدی را در نظر گرفته، تمام آیاتی که آن واژه در آن‌ها آمده است، بررسی می‌شود تا مفهوم کلی و غالب واژه کلیدی در آیات آشکار گردد. برای مثال در جدول کلیدی ۳ اولین واژه کلیدی واژه «شاء» می‌باشد که با بررسی لیست آیات شامل آن، مفهوم کلی و غالب «خواست و اختیار مطلق» خداوند استنباط می‌شود. در این بررسی شأن نزول و چند معنایی واژه، کانون توجه نبوده، بلکه مورد نخست را از مصادیق و دیگری را حاصل بسط استعاره معنای ماده اصلی واژه (که معمولاً خود را در همان مفهوم غالب نشان می‌دهد) در نظر می‌گیریم. این نوع نگاه همان رویکرد از بالا به پایین است که می‌توان آن را متناسب با فرض انسجام معنایی سوره دانست. در بررسی متن آیات حاوی واژه کلیدی، ممکن است واژه کلیدی دیگری در همجواری آن ظاهر گردد و یا اینکه با واسطه یک مفهوم دیگر بتوان نوعی وابستگی معنایی بین آن‌ها را مشاهده نمود. برای نمونه اگر دو واژه کلیدی «شاء» و «عبد یا عباد» از جدول ۳ را در نظر بگیریم، بین آن‌ها ارتباط معنایی قابل مشاهده است. مفهوم کلیدی «خواست و اختیار مطلق» خداوند در اراده وی برای خلق و آفرینش تجلی می‌یابد (آیه ۴۹) و مفهوم واژه کلیدی «عباد» نیز از مصادیق مفهوم خلق و آفرینش است. در اینجا نیز نگاه از کل به جزء و مصادیق جزوی آن محملی برای برقراری ارتباط بین مفاهیم واژه‌های کلیدی است. این بررسی برای هر یک از واژگان کلیدی جدول انجام می‌گیرد تا امکان ارتباط آن‌ها با یکدیگر بررسی و کشف گردد. برای نمونه دیگر اگر به واژه کلیدی «شَرَع» و آیاتی که این واژه در آن‌ها است توجه نماییم ابتدای آیه ۲۱ به إذن خداوند بر شرع دین اشاره دارد که بیانگر وابستگی مفهوم «شرع» به مفهوم «إذن و اختیار» خداوند است که با واژه کلیدی «شاء» بیان می‌شود. در گام بعدی به سراغ واژه کلیدی «ولی» رفته و با بررسی آیات به دنبال کشف ارتباط معنایی واژه‌های کلیدی باقیمانده با آن می‌پردازیم. در صورتی که نتیجه این تحلیل به الگوی معناداری از مفاهیم منجر گردد که نظم و هماهنگی آن موجب سادگی درک و نیز زیبایی آن بوده و با این دو

مؤلفه مورد پذیرش عقل باشد آنگاه می‌توان آن را به عنوان یک مدل منسجم دنبال نمود.

۴.۳. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحلیل سوره شوری آشکار می‌شود که استفاده از ابزارهای تحلیل پیکره چگونه می‌تواند در تبیین انسجام مفاهیم کلیدی سوره مؤثر باشد. این ابزارها به محقق، در برداشتن گام‌های اولیه در جهت بسترسازی برای یک تحلیل کیفی که تا حدود زیادی مبتنی بر ادله عینی باشد، یاری می‌رساند. هدف محقق باید آن باشد که بتواند الگویی از مفاهیم پیش روی، طرح و ایجاد نماید که انتظام و هماهنگی بین آن‌ها، بیانگر انسجام درونی و معنایی الگو باشد. در حقیقت نباید از این امر غفلت نمود که این انسجام معنایی است که انتظام ساختاری را ایجاد می‌کند. در صورت موفقیت مدلی خواهیم داشت که از هر دو جنبه زیبایی و نافع بودن، مورد پذیرش عقلانی است.

در راستای هدف فوق محقق باید به این مسئله توجه کند که رابطه بین تحلیل کمی و تحلیل کیفی یک رابطه یک طرفه نمی‌باشد، بلکه همانطور که تحلیل کمی می‌تواند برخی از خطوط مسیر تحلیل کیفی را روشن کند، تحلیل کیفی نیز به نوبه خود می‌تواند در انتخاب مناسب و طبقه‌بندی نتایج تحلیل کمی نقش مؤثری داشته باشد.

ابزار مقایسه دو پیکره که در ابتدا با مرجع قرار دادن یک پیکره نسبتاً بزرگ به تعیین مؤلفه‌های کلیدی متن و تبیین الگوهای ساختاری (سبک) و یا تبیین الگوهای معنایی (محتوی) پیکره مورد مطالعه می‌پردازد اکنون با نگاه گسترش یافته خود با استفاده از مفهوم اندازه-اثر به مقایسه دو پیکره با هر اندازه که باشد می‌پردازد به شرطی که دو پیکره به روش اصولی انتخاب و نمونه‌گیری شده باشند. این مقایسه می‌تواند علاوه بر تبیین وجوه افتراق دو پیکره به تبیین وجوه تشابه آن‌ها نیز منجر گردد. این ویژگی در رویکرد مذکور، به محقق این امکان را می‌دهد که ارتباط بین دو متن را از جنبه انطباق مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

نمودار مفهومی، ابزاری برخاسته از حوزه یادگیری و آموزش، علاوه بر آنکه می‌تواند در سهولت بخشیدن و فعال نمودن فرآیند یادگیری و رشد دانش و شناخت مؤثر باشد، به عنوان ابزاری برای بررسی و تبیین ارتباط بین مفاهیم پیچیده در حوزه‌های تخصصی به کار می‌رود. با توجه به آنکه الگوهای معنایی کشف شده در متون به خصوص متن قرآن از پیچیدگی و ظرافت‌هایی برخوردار است، برای نشان دادن ارتباط معنایی آن‌ها و نشان دادن هماهنگی و انتظام بین آن‌ها استفاده از این ابزار می‌تواند مؤثر بوده و در نتیجه انتقال و فهم انسجام معنایی متن را سهولت بخشد.

منابع

- [۱]. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۸). «وحدت موضوعی سوره‌ها در تفسیر تسنیم»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۷، بهار، صص ۸۲-۱۰۹.
- [۲]. ایرانی، محمد و دیگران (۱۳۹۸). «تحلیل واژگان مرتبط با اجتماعیات در خمسه نظامی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلایف». متن پژوهی ادبی، شماره ۸۰، تابستان، صص ۳۳-۶۰.
- [۳]. جوادی آملی (۱۳۹۴). آرشیو درس تفسیر: www.eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/tafsir/93/940221
- [۴]. رضی بهابادی، بی‌بی سادات؛ احدیان، مریم (۱۳۹۷). «کشف محور موضوعی سوره حج با روش تحلیل محتوا»، مطالعات قرآن و حدیث، سال دوازدهم، شماره اول، پاییز و زمستان، صص ۱۴۱-۱۷۲.
- [۵]. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. چاپ هفدهم، دارالشروق، بیروت، قاهره.
- [۶]. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۷]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- [۸]. طوسی، محمدبن حسن (قرن ۵). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [9]. Anthony, L. (2013). "A critical look at software tools in corpus linguistics" in *Linguistic Research*. August. Online Access: <https://www.researchgate.net/publication/267631312>.
- [10]. Anthony, L. (2019). AntConc (Version 3.5.8) [Computer Software]. Tokyo, Japan: Waseda University. Available from <https://www.laurenceanthony.net/software>.
- [11]. Atwell, E. (2018). *Classical and Modern Arabic Corpora: genre and language change*. Online Access: <https://www.researchgate.net/publication/328464373>.
- [12]. Culpeper, J and Demmen, J. (2015) « Keywords » in *The Cambridge handbook of English corpus linguistics*, edited by Douglas Biber and Randi Reppen. Cambridge University Press. pp 90-105.
- [13]. Fischer-Starcke, Bettina.(2010). *Corpus linguistics in literary analysis: Jane Austen and her Contemporaries*. Continuum International Publishing Group.
- [14]. Gabrielatos, C. (2018). Keyness analysis: Nature, metrics and techniques in *Corpus Approaches To Discourse: A critical review*. Oxford: Routledge edited by Taylor, C. & Marchi, A. (pp.225-258) Chapter: 11 Publisher: Routledge.
- [15]. Hori, M. (2004). *Investigating Dickens' style: A collocational analysis*. Basingstoke. Palgrave Macmillan.
- [16]. Hyland, K. and Atal. (2012). «Introduction» in *Corpus Applications in Applied Linguistics* edited by Ken Hyland, Meng Huat Chau, Michael Handford. Continuum International Publishing Group. pp 3-9.

- [17]. McCarthy, M and O’Keeffe, A. (2010). «Historical perspective: What are corpora and how have they evolved?» in *The Routledge handbook of corpus linguistics*, edited by Anne O’Keeffe and Michael McCarthy. – 1st ed. pp 3-13.
- [18]. McEnery, T and Hardie, A. (2012). *Corpus linguistics: method, theory and practice*. Cambridge University Press.
- [19]. Novak J. D. and Gowin D. B. (1984). *Learning How to Learn*. Cambridge University Press. Online publication date: June 2012. pp 15-54 <https://doi.org/10.1017/CBO9781139173469>.
- [20]. Scott, M. (1998). *WordSmithTools*. Version 3. Oxford: OUP.
- [21]. Scott, M. (2010). «Problems in investigating keyness, or clearing the undergrowth and marking out trails...» in *Keyness in texts*, edited by Marina Bondi and Mike Scott. John Benjamins B.V.
- [22]. Scott, M. 2015. *WordSmith Manual*. Version 6. Lexical Analysis Software Ltd.
- [23]. Scott, M., & Tribble, C. (2006). *Textual Patterns. Key words and corpus analysis in language education*. Amsterdam: John Benjamins. 2006, p 55-62.

پیوست (الف): جداول

جدول ۴. واژگان و مفهوم کلیدی «قدرت مطلق» خداوند در آیات سوره شوری

آیات	واژگان و مفاهیم کلیدی
لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (۱۲)	۱. مقالید: استعاره از ملک
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (۲۹)	۲. خلق: قدرت آفرینندگی
لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (۴۹)	۳. ملک: پادشاهی و قدرت
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... (۴)	۴. حذف ملک به قرینه
فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (۱۱)	۵. فاطر: قدرت آفرینندگی
...لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... (۵۳)	۶. حذف ملک به قرینه

جدول ۵. واژگان و مفهوم کلیدی «اختیار مطلق» خداوند در آیات سوره شوری

آیات	واژگان و مفاهیم کلیدی
... يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ... (۱۲)	۱. یشاء: اختیار در بسط رزق
... هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ (۲۹)	۲. یشاء: اختیار بر حشر
... يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹)	۳. یشاء: اختیار در جنسیت
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ... (۸)	۴. شاء و یشاء: اختیار مطلق در تخصیص رحمت
... اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ... (۱۳)	۵. یشاء: اختیار در برگزیدن
... يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ... (۱۹)	۶. یشاء: اختیار روزی
... فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ... (۲۴)	۷. یشاء: اختیار در مهر نهادن بر دلها
... وَ لَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ... (۲۷)	۸. یشاء: اختیار مطلق در اندازه نزول نعمتها
إِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرِّيحَ... (۳۳)	۹. یشاء: اختیار در سکون یا وزش بادها
... يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)	۱۰. یشاء: اختیار در زایش
... فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ... (۵۱)	۱۱. یشاء: اختیار در نزول وحی
... نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا... (۵۲)	۱۲. نشاء: اختیار در هدایت بندگان

جدول ۶. برخی از صفات «دین الهی» در آیات قرآن

۱	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ ... (التوبة : ۳۳)
۲	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ ... (الفتح : ۲۸)
۳	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ ... (الصف : ۹)
۴	... وَ لِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ ... (النور : ۵۵)
۵	إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ... (آل عمران : ۱۹)
۶	وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ... (آل عمران :

جدول ۷. واژگان و مفهوم کلیدی «ولی بودن» خداوند در آیات سوره شوری

۱	وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ ... (۶)
۲	... الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَليٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۸)
۳	أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ ... (۹)
۴	... وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (۲۸)
۵	... مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَليٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۳۱)
۶	وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ ... (۴۶)

جدول ۸. واژگان و مفهوم کلیدی «استجاب» و «وحی و رسالت» در آیات سوره شوری

۱	اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلَجٍ يَوْمَئِذٍ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ (۴۷)
۲	وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)
۳	وَ الَّذِينَ يُجَادُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)
۴	وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۲۶)
۵	وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

